

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### سخن سردبیر

ذکر چند نکته در این شماره ضروری است:

۱- از شماره‌های آغازین انتشار مجله، مطلبی که اعضای هیئت تحریریه پیوسته بر آن تأکید داشتند و در سرمقاله‌های مجله منعکس می‌شد، اصرار بر حضور فرهنگ خرد و اندیشه و نقد مبتنی بر نظر و انتخاب رویکرد نظری مشخص در پیکره مقالات بود. عبور از فرهنگ توصیفی و تشویق و ترغیب به داشتن چارچوب فکری و نظری معین و تثبیت این رویکرد در مقالات پذیرفته‌شده، پربسامدترین موضوع مطرح در سرمقاله‌ها، در قالب درخواست از اصحاب خرد و اندیشه خانواده زبان عربی بود.

با گذشت پنج سال از عمر مجله، می‌توان گذر سه مرحله را به‌خوبی در روند این فرزند نوپا مشاهده کرد: الف) مرحله ایجاد و تأسیس، ب) مرحله تثبیت و تحکیم، ج) مرحله رشد و ارتقاء. به نظر می‌رسد با انتشار شماره ۱۵ به تدریج وارد مرحله سوم می‌شویم. مراد ما از این مرحله، همان چیزی است که همیشه آن را دنیال می‌کردیم و آن تقویت و تثبیت فرایند خردگرا و اندیشه‌ورز و داشتن جهت‌گیری و رویکرد معین در بیان موضوعات و مفاهیم است. دور شدن از این نگاه که موضوعات ترجمه‌ای صرفاً باید در حوزه بیان درست و نادرست و یا تطبیق قواعد دستوری بر متن و یا مقایسه مواردی از این دست میان ترجمه‌های یک متن و... باشد و روی آوردن به حوزه‌ای گسترده‌تر در قالب به‌شمار آوردن «ترجمه» به مثابه مرحله‌ای از دریافت، درک، فهم و تفسیر متن، و نیز ضرورت داشتن یک جهت‌گیری مشخص، تعریف‌شده و قابل ارائه در برخورد با متن و انتقال آن به خواننده، همان غایتی است که در این مرحله در پی رشد و بالندگی آن هستیم و برای تعالی و رفعت آن، دست‌یاری به سوی تمام فرزندگان و خردباوران خانواده زبان عربی دراز کرده‌ایم.

واضح است که در اینجا درصدد جا انداختن این مطلب نیستیم که واژه‌های «معنی» و «فهم» و یا «ترجمه» و «تفسیر» و «درک» مترادف هستند و با هم تفاوتی ندارند! بلکه بر این

اندیشه‌ایم که در عین تفاوت میان دلالت‌های این واژه‌ها، حوزه «ترجمه» را گسترده‌تر ببینیم و ساحت‌های درک، معنی، فهم و تفسیر را نیز در این عرصه وارد کنیم.

ما بر آنیم که تا زمانی که مقالات در چرخه آموزش قرار نگیرد، ابتر و بی‌فایده است. لزوم توجه به غایت آموزشی مقالات می‌تواند چاشنی پر قدرتی تلقی شود برای تغییر روش مقالات از جمع‌آوری، توصیف و حرکت در بستری از قبل تعیین شده، به ایجاد و بررسی و تبیین راه‌های نو و یاد دادن ماهیگیری به جای دادن ماهی!

در این شماره سعی شده از میان مقالات ارسال شده، نوشته‌هایی در اولویت قرار گیرد که ویژگی‌های مطرح را بهتر توانسته‌اند در اثر خویش متجلی سازند. امیدواریم این روند در شماره‌های آتی پررنگ‌تر و شفاف‌تر شود و اندیشمندان صاحب‌قلم با نگاهی معرفتی و خردگرا و نیز تقویت جنبه‌های نظری، ما را در پیشبرد این روند حمایت و پشتیبانی کنند.

۲- موضوع مجله و زبان مورد پژوهش آن، از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین موضوعات فرهنگی جامعه ماست. اگر این گفته پرمغز را که «زبان، خانه وجود است» بپذیریم و قائل باشیم که هر کس، هستی را از داخل این خانه‌ای که برای خود برگزیده، می‌نگرد، آنگاه «زبان» به عنوان محوری‌ترین عامل روند شناخت انسان‌ها، فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها تلقی خواهد شد. در اینجاست که بیشتر به اهمیت کار خود و مسئولیت دشواری که بر عهده ماست، پی برده، احساس هویت متعین‌تر و مشخص‌تری به ما دست خواهد داد. ایجاد این هویت علمی در جویندگان «زبان عربی»، به‌ویژه دانشجویان این رشته و در نتیجه، پی بردن به اهمیت راهکار پژوهش‌های زبانی، موضوع اساسی فهم متن، چگونگی رویارویی با آن و طرق دستیابی به معنی، همه و همه موجب پی بردن به زمینه‌های بکری می‌شود که هنوز دست‌نخورده باقی مانده است و در انتظار تشنگان، سائلان و جویندگانی است که عرصه متن را شخم بزنند و گنج‌های گرانبهای آن را استخراج کنند. گام نخست در ایجاد این منظر معرفتی، گسترش حوزه ترجمه از دایره محدود درست و نادرست و تلاش برای نظری کردن روش‌های دریافت معنی و ترجمه متن است. از این رو، ما اگر درصدد پاسخگویی به نیازهای فرهنگی نسل جوان خود هستیم، اگر دغدغه پالایش فرهنگی و جوشان کردن چشمه‌ها و منابع اصیل فرهنگی و بومی خود و رها شدن از حرف‌ها و منقولات این و آن،

دغدغه ذهنی ما شده است، چاره‌ای جز این نداریم که به این فضاها بیندیشیم و در پی فراخ‌تر کردن و وسعت بخشیدن به آن باشیم. راهی که در نهایت، منجر به این شود که سخن «دیگر»ی، آن گونه که باید، فهمیده و درک شود و به دیگران انتقال یابد. در این صورت است که می‌توان نوید فلاح، رستگاری و نجات را در حوزه‌ای که مد نظر ماست، سر دهیم!

گذشته از اینکه وظیفه و مسئولیت سنگین ما، کاوش و کندوکاو در مسائل زبانی است، چیز دیگری که کفه این قسمت را سنگین‌تر و وزین‌تر می‌کند، زبان مورد بررسی ماست. این زبان، عرصه فرهنگ و آیین این مرز و بوم است. زبان عربی، نه به عنوان زبان یک قوم و ملیت خاص، که در این صورت، این گونه یادگیری و حمایت از آن لزومی نداشت، بلکه به عنوان کلیدی که انتقال‌دهنده چگونگی اخلاق، آداب زندگی، فرهنگ و همه چیز ماست، باید مورد توجه جدی اهل فرهنگ قرار گیرد. ما مسئولیت رازگشایی و کلیدداری گنجینه فرهنگ این سرزمین را آشکارا یا نهان بر عهده گرفته‌ایم. اگر کاوش در همه زبان‌ها از منظر نخست شایسته احترام و توجه است، برای ما این حساسیت دوچندان می‌شود، از آنجا که مدعی هستیم که می‌خواهیم گنجینه فرهنگ خود و رازهای نهفته "فرهنگی" را بازگشایی کنیم که زندگی، اخلاق و رفتار ما را رقم می‌زند. اینها نکته‌هایی است که در هر کوی و برزن، کلاس، همایش و... باید به گوش دانشجوی این زبان برسد تا ضمن آنکه هویت خود را بازیابد، بداند که باید به کجا برسد و چه زاد و توشه‌ای را برای کوله‌بار سفرش آماده کند. در همین راستا، لازم است مقالات ما نیز در این چارچوب به روشنگری و تنویر افکار مخاطبان پردازد.

۳- اما مطلب اخیر، از سویی خداحافظی و از سوی دیگر قدردانی و سپاسگزاری از زحمات، همکاری‌ها و همیاری‌های همه دست‌اندرکاران مجله، از مسئولان اداری دانشگاه و دانشکده گرفته، تا مدیر مسئول گرانقدر و گرامی، اعضای هیئت تحریریه فرزانه و بزرگوار و مدیر داخلی بااخلاق و توانای مجله است که در طول این چند سال تمام مساعدت‌ها، معاضدت‌ها، محبت‌ها و دلگرمی‌های خود را نسبت به این حقیر دریغ نمودند که نتیجه این همکاری و همیاری، شکوفایی و رشد و نمو بذری شد که امید است در سال‌های آتی به درختی تناور در حوزه تخصصی خود تبدیل شود و مرجعی برای مطالعات

و تحقیقات در حوزه ترجمه، درک و دریافت معنی از متن باشد. در این سال‌ها، گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبائی، آن‌چنان که از سنت سلف صالح خود، حضرت استاد سعید نجفی اسداللهی به یادگار گرفته، چیزی جز محبت و همیاری و کمک در راه انتشار این فعالیت فرهنگی از خود بروز نداد. این در حالی بود که هیئت تحریریه در شماره اول فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی با خانواده زبان عربی این گونه عهد بسته بود:

«ما در پیشگاه همه اعضای خانواده زبان و ادبیات عربی این عهد را می‌بندیم که صداقت و درستی را در کار خویش مدّ نظر قرار دهیم و خداوند را ناظر و عالم بر کار خویش بدانیم و تعهد علمی خویش را در قبول و ردّ آثار با هیچ چیز دیگر معاوضه نکنیم.»

از این روی، هیچ گاه عهد خود را فراموش نکرد و در قبول و انتشار مقالات، به چیزی جز مفید بودن مقاله و نظر داوران توجه نمود و در این راه، همه خانواده زبان عربی در اقصی نقاط کشور را جزء اصحاب مجله و از «خود» به حساب آورد و ذره‌ای در این زمینه انحراف، کجی و بی‌اخلاقی از خود نشان نداد.

تغییر سردبیر و آمدن نیروهای تازه‌نفس تر می‌تواند هوای تازه و فضای دلپذیرتر و هموارتری را برای این مجله نوپا فراهم کند و ضمانت رشد و ارتقاء مورد نظر دست‌اندرکاران مجله را بهتر تضمین نماید.

در انتظار روزهایی هستیم که دغدغه‌داران، دوستداران و همراهان زبان قرآن در فضاهای نقد و بررسی، تحلیل و انتخاب رویکردهای عقلانی و خردورز در حوزه‌های زبانی آن‌چنان به توانایی و خبرگی دست یابند که تالّو سخن «نحن ابناء الدلیل» زینت‌بخش گفتگوهای فرزندان و دوستداران زبان عربی در فضای این مرز و بوم باشد.

بمنه و توفیقه و کرمه

والسّلام علیکم

**سردبیر**